

توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی از طریق احترام به تنوع فرهنگی دانشجویان The Development of Human Resources in Higher Education through Respecting Cultural Diversity of the Students

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۲/۱۰؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۰/۵/۱۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۳

علیرضا عراقیه^۱، کورش فتحی و اجارگاه^۲، نادر برزگر^۳ و سعید مرادی^۴

A. Araghieh., (Ph.D)

Email: araghieh@iiu.ac.ir

K. Fathi Vajargah., (Ph.D), N. Barzegar.,

(M.A) & S. Moradi., (M.A)

Abstract: Group interaction among students at university is a complex series of experiences that, if productive, may result in human resource development. Otherwise, it might hinder and block their open interactions. Among the obstacles are dichotomies between cultures and ethnicities that are somehow isolated, undervalued and underrepresented in the larger society. In this qualitative study, a sample of 40 undergraduate students was approached using ethnography method to investigate hidden curriculum with emphasis on: a) their mutual interactions; b) their interactions with academics; and c) the context of interactions. Data were collected through autobiographies, observations, interviews, note takings, journals, tape recordings, films, and documents analyses. Results showed that students had different experiences during their through interaction with their peers and tutors.

Keywords: human resource, higher education, cultural diversity, ethnography

چکیده: تجربه گروهی دانشجویان در محیط دانشگاه با مجموعه پیچیده‌ای از تجارب و تعاملات همراه بوده و در صورت سازنده بودن، آثاری همچون توسعه سرمایه انسانی را در پی داشته و در غیر این صورت می‌تواند در قالب موانع مشارکت، تعامل آزاد آنان را مسدود نماید. از جمله این موانع وجود دوگرایی‌هایی می‌باشد که دانشجویان فرهنگ‌ها و قومیت‌ها به دلایل مختلف و از جمله ضعف در احترام نسبت به فرهنگ یکدیگر از هم جدا مانده و از مشارکت اجتماعی و سهیم شدن در تجارب دو جانبه محروم می‌گردند. تحقیق کیفی حاضر به روش قوم‌نگاری در سطوح برنامه درسی پنهان از نظر سیلور و الکساندر و با هدف بررسی وضعیت احترام به تنوع فرهنگی در الف) تعامل دانشجویان با یکدیگر، ب) تعامل دانشجویان با اساتید و ج) محیط و فضا و با مطالعه یکساله بروی ۴۰ نفر از دانشجویان کارشناسی در سه گروه علوم انسانی، فنی و مهندسی و علوم پایه انجام گردیده است. یافته‌های تحقیق که با استفاده از ابزارهای متنوع کیفی شامل اتوبیوگرافی، مشاهده، مصاحبه، یادداشت برداری، ژورنال‌نویسی، ضبط صدا، فیلم‌برداری و بررسی مستندات به‌دست آمده‌اند، حاکی از آن است که دانشجویان تجارب متفاوتی را در فرایند تحصیل خود در مورد فرهنگ و قومیت‌شان به‌دست آورده‌اند که محققان از طریق تحلیل محتوایی آن‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند.

کلید واژه‌ها: سرمایه انسانی، آموزش عالی، تنوع فرهنگی، مردم نگاری

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی.
۲. استاد دانشگاه شهید بهشتی.
۳. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، گروه آموزش ابتدایی.
۴. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر، گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی.

مقدمه

آموزش عالی می‌تواند با ایجاد فرصت‌های برابر در صحنه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امکان پرورش و رشد دانشجویان قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف را فراهم نموده و نقش مؤثری را در ارتقاء توانمندی‌های فردی و توسعه سرمایه‌های انسانی ایفا نماید. ارتباطات فرهنگی و توانمند نمودن دانشجویان در زمینه احترام به تنوع فرهنگی از مسائل مهم محسوب شده (ژیرو،^۱ ۲۰۱۱) و این مسأله نه تنها زمینه کسب تجربیات سازنده را برای دانشجویان فراهم می‌نماید بلکه در موفقیت تحصیلی و انتخاب شغل ایشان نیز مؤثر است (اعظم زاده و دهنوی، ۱۳۸۷) جامعه‌ای نظیر ایران که برای استخراج نفت و تکنولوژی هزینه‌های گزافی صرف می‌نماید، بی‌شک بایستی برای کشف استعدادها و پرورش آن‌ها نیز به صورت مشابهی عمل کند. ظهور نوابغ و دانشمندانی نظیر ادیسون، پاستور، انشتین، پرفسور حسابی و اندیشمندانی از این دست، به‌خوبی مخارج صرف شده در حوزه آموزش را جبران می‌نماید. نظیر این نوابغ در کشور ایران در میان فرهنگ‌ها و اقوام مختلف نظیر آذری، کرد، لر، ترکمن، گیلک، مازندرانی، عرب و سایر اقوام قرار دارند. با ایجاد فرصت‌های برابر برای دانشجویان قومیت‌های مختلف و آموزش احترام به تنوع فرهنگی در نظام آموزش عالی کشور امکان پرورش و رشد استعدادهای بالقوه موجود در فراگیران قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف تسهیل شده و در این صورت نظام آموزش عالی علاوه بر انتقال علم و دانش، ارزش‌های دیگری نظیر احترام به تنوع فرهنگی و برابری را نیز آموزش می‌دهد. در این شرایط بر سطح همکاری و مشارکت دانشجویان فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف افزوده شده و این فضا پیامدهای مثبتی نظیر توسعه سرمایه‌های انسانی و افزایش سطح بهره‌وری در مشارکت‌های جمعی و تولید نظرات صائب‌تر را به همراه خواهد داشت.

چارچوب نظری

توجه به فعالیت‌های چند فرهنگی در برنامه‌های درسی فرصت‌های مناسبی را برای کسب تجربیات یادگیری در حوزه آموزش عالی فراهم می‌نماید زیرا دانشگاه از کلاس‌های درس و دانشجویانی تشکیل شده که از ساختارهای خانواده‌ها و فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف تشکیل یافته است و دانشجویان پس از ورود به دانشگاه با اشتیاق فراوان در انتظار تجربه‌های بسیار متفاوت از دوره‌ی متوسطه می‌باشند (دبرا،^۲ ۲۰۱۱) و این فرصت مناسبی برای رشد ظرفیت‌های مولد افراد از فرهنگ‌های مختلف می‌باشد. به منظور بررسی تجربیات دانشجویان در زمینه احترام به فرهنگ و قومیت یکدیگر در محیط دانشگاه می‌توان از برنامه درسی پنهان بهره جست. برنامه

درسی پنهان از یادگیری‌هایی حکایت می‌کند که در چارچوب اجرای برنامه درسی تصریح شده و به دلیل حضور در بطن و متن فرهنگ حاکم بر نظام آموزشی، فراگیران آن را تجربه می‌کنند. تجربه‌های یادگیری که بدین وسیله حاصل می‌شود عمدتاً در قالب مجموعه‌ای از انتظارات و ارزش‌ها تبلور می‌یابد و کمتر معطوف به حوزه دانستنی‌ها یا شناخت مربوط دانسته شده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۱). این تجارب غیررسمی اگرچه از قبل پیش بینی نشده است ولی بر رفتارها و نگرش‌های یادگیرندگان اثر شگرفی دارد. این تجارب را اصطلاحاً برنامه درسی پنهان گویند (فتحی، ۱۳۸۴). متخصصان برنامه درسی سیلور^۱، الکساندر^۲، لوئیس^۳ (۱۳۸۰) معتقدند که یک برنامه درسی پنهان در حد معناداری تعیین‌کننده آن چیزی است که مبنای احساس ارزش و عزت نفس همه شرکت‌کنندگان است و هیچ دانشکده‌ای نیست که یک برنامه درسی پنهان را بر دانشجویان و هیأت علمی خود تحمیل نکرده باشد. اگرچه هر برنامه درسی ویژگی‌هایی دارد که خاص مؤسسه‌ای معین است ولی وجود این‌گونه برنامه درسی پنهان به‌طور قابل توجهی کل فرایند تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیلور، ۱۳۸۰). برنامه درسی پنهانی که در نظام آموزش عالی وجود دارد، تحت تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خارج از این نظام می‌باشد و در صورتی که شرایط اجتماعی و فرهنگی در راه تعامل گروهی بین فرهنگ‌ها و قومیت‌ها موانع و یا سدی را ایجاد نموده و به مشارکت گروهی خلل وارد کند از دیدگاه دیویی می‌تواند منجر به تضعیف روحیه‌ی تجربه‌گرایی مشترک گردیده و امکان تعامل و رشد انسانی را در محیط‌های تعلیم و تربیتی کاهش دهد (گوتک، ۱۳۸۴: ۱۴۱). در جامعه‌ای که برابری و تعامل آزاد مبتنی بر تفاهم و احترام به فرهنگ‌های مختلف وجود داشته باشد، تعاملات و مرادفات بین گروهی افزایش یافته و به تبع آن همدلی، همفکری و احساس مشترک در سطح جمعی عام زمینه‌ساز توسعه سرمایه انسانی خواهد شد. بنابراین، برنامه درسی در آموزش عالی باید به گونه‌ای باشد که با لحاظ کردن چند فرهنگی‌گرایی و احترام به تنوع فرهنگی در برنامه درسی، تاریخ و فرهنگ گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی را منعکس نماید (بنکس^۴، ۲۰۱۰) در این میان آموزش چند فرهنگی در قالب پذیرش و احترام به فرهنگ‌ها و قومیت‌ها می‌تواند چشم‌انداز متعدد و شیوه‌های مختلفی را برای نگرستن به فرهنگ‌های مختلف را آموزش (نیوتو، ۲۰۱۰). احترام به تنوع فرهنگی دانشجویان می‌تواند زمینه مشارکت آنان در پروژه‌های علمی را فراهم نموده و بستر مناسبی برای شکل‌گیری برنامه درسی برآمدنی باشد (فتحی و اجارگاه، عارفی و ترقی‌جاه، ۱۳۸۸). اما نقطه مقابل این دیدگاه یعنی تعریف یک فرهنگ یا هویت که به مثابه مهم‌ترین

-
1. Saylor
 2. Alexander
 3. Lewis
 4. Banks

فرهنگ محسوب شده و سایر هویت‌ها و تعلق‌های فرهنگی را کنار گذاشته و خود را تحمیل نماید، چندان با واقعیت تطبیق نداشته (فکوهی، ۱۳۸۱) و این نوع تفکر قادر نیست در بین دانشجویان قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف مشارکت لازم را ایجاد نموده و زمینه‌ساز توسعه سرمایه انسانی اقوام باشد. بنابراین افزایش مناسبات متقابل بین قومی (قرینگی روابط) می‌تواند در حوزه‌های تعاملی معیشتی، اقتداری، عاطفی و فکری، تعلق و هم‌گرایی و وفاداری، اقوام را به هویت‌های جمعی فراقومی (هویت منطقه‌ای و ملی) تقویت نماید و با افزایش این مناسبات و همکاری بین گروهی (بین قومی) که از برابند روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاصل می‌شود، تعلق و وفاداری اقوام به واحدهای جمعی بزرگتر - از جمله هویت‌های جمعی منطقه‌ای و ملی افزایش پیدا نموده و شرایط مطلوب توسعه سرمایه انسانی از قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف در سطح جامعه و از جمله در حوزه آموزش عالی فراهم می‌گردد. در مقابل، کاهش این مناسبات به تقویت واحدهای جمعی خرد و تضعیف واحدهای جمعی کلان‌تر منجر می‌گردد (توسلی و قاسمی، ۱۳۸۱). دقت در نتایج برخی پژوهش‌ها بیان‌گر آن است که ویژگی‌هایی که می‌توانند در سه حیطه دانش مدنی، توانش مدنی و نگرش مدنی به افزایش مناسبات فرهنگی و تربیت شهروند خوب منتج شوند مورد کم توجهی قرار گرفته‌اند و در مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی، توجه کمی به پرورش ارزش‌های شهروندی می‌شود و اصلاحات اساسی در این راستا الزامی است (دبیا، ۱۳۸۰؛ فتحی واجارگاه و واحد چوکده، ۱۳۸۵). این در حالی است که هدف عمده برنامه درسی باید کمک به افراد در جهت داشتن عملکرد مؤثر در داخل فرهنگ مشترک باشد، یعنی فرهنگ قومی او و فرهنگ قومی دیگران (بانکز^۱، ۱۹۷۵). ضرورت این امر در آن است که هر فرد منسوب به هر قومی به‌عنوان یک ایرانی در میان اقوام دیگر به زندگی و فعالیت می‌پردازد. بنابراین نیازمند تربیتی است که سهولت زندگی او و دیگران را فراهم و آن‌ها را به‌عنوان شهروند ایرانی پرورش دهد. این مسأله با به‌کارگیری فرهنگ قومی در آموزش رسمی و اشاعه آن از طریق برنامه درسی که می‌تواند زمینه پیوند بین اقوام و تبارهای جامعه را فراهم نموده و وحدت بخشی فرهنگی و وحدت ملی را ایجاد کند، امکان پذیر است (عسکریان، ۱۳۸۵؛ خسروی، ۱۳۸۷؛ شاه حسنی، ۱۳۸۷). توجه به این امر سبب خواهد شد که با افزایش همکاری‌های بین فرهنگ‌ها و قومیت‌ها که از ترکیب سه نوع رابطه‌ی فکری، عاطفی و معیشتی حاصل می‌شود؛ تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی نیز افزایش پیدا کند (یوسفی، ۱۳۸۰). گرایش به سایر اقوام میزان روابط بین قومی را تقویت می‌کند و هر دو متغیر فوق تأثیر مثبتی بر میزان هویت ملی جوانان دارد. سرمایه اجتماعی نیز بر روی گرایش به سایر اقوام، روابط بین قومی و هویت ملی

تأثیر مثبتی داشته و آن‌ها را تقویت می‌کند و در مقابل، با افزایش تعارضات و خصومت‌های قومی، تعلق و وفاداری اقوام به اجتماع ملی تضعیف می‌گردد (رضایی و احمدلو، ۱۳۸۴). این مسأله در پژوهشی با عنوان "رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد" که در آن دانشجویان دانشگاه پیام نور سقز مورد بررسی قرار گرفته‌اند مشخص شد که دانشجویان کرد نسبت به همه مؤلفه‌های هویت ملی و هویت قومی پای‌بندی زیادی دارند اما نسبت به دولت پای‌بندی کمی نشان می‌دهند. این ناشی از نوعی احساس نابرابری اجتماعی (تبعیض و محرومیت) است که دولت را عامل آن می‌دانند. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهند بین هویت ملی و هویت قومی برخلاف برخی نظریه‌ها رابطه معکوس و متضاد وجود ندارد، بلکه رابطه بین آن‌ها مستقیم و سازگار است. به عبارت دیگر تقویت هویت ملی به‌منظور وحدت و انسجام جمعی عام و حفظ هویت‌های قومی با اتخاذ سیاست وحدت در کثرت قابل تحقق است (جعفری، شیخاوندی و شریف پور، ۱۳۸۷). این درحالی است که به استناد برخی پژوهش‌ها به نظر می‌رسد جایگاه احترام به تنوع فرهنگی در بین دانشجویان مورد کم توجهی قرار گرفته و بحث و مذاکره در مورد مسائل قومی و نژادی و فرهنگی برای دانشجویان دشوار بوده و آنان جهت گسترش ارزش‌های حرفه‌ای خود و داشتن فهمی کل‌نگر از قومیت و فرهنگ‌ها به پشتیبانی و درک نکات مبهم نیاز دارند (جان؛ تام و وال، ۲۰۰۸)^۱. به‌عنوان مثال جامعه ژاپن به‌عنوان یک کشور صنعتی از نظر تنوع فرهنگی روبه رشد بوده و این موضوع تأثیر عمده‌ای بر تعلیم و تربیت ژاپن داشته و ورود فراگیران خارجی و اقلیت‌ها با مذاهب، نژاد و اقوام مختلف از چالش‌های بزرگ نظام آموزشی ژاپن محسوب شده و آنان به دنبال ارائه یک مدل جدید در جامعه می‌باشند که براساس آن فراگیران اقوام و اقلیت‌های مختلف با استفاده از تمرین‌های متنوع آموزشی، تشویق به همکاری با یکدیگر گردند (مورفی^۲، ۲۰۱۰). رویکرد احترام به تنوع فرهنگی دانشجویان، تعامل بین آنان را (صرف‌نظر از نوع نژاد و زمینه‌های قومی) به همراه خواهد داشت. این رویکرد سبب بهبود رشد شناختی فراگیران، افزایش درک نژادی و قومی آن‌ها، تقویت حس اجتماعی و مشارکت مدنی آن‌ها، بهبود حساسیت‌های فرهنگی فراگیران، افزایش کیفیت عملکرد آن‌ها و بهبود تعامل در کلاس‌های درس شده (فرناندز، ۲۰۱۰) و در نهایت تبیین احترام به تنوع فرهنگی در نظام آموزش عالی می‌تواند زمینه عملکرد بهتر دانشجویان را فراهم نموده (فیضا و کریستین^۳، ۲۰۱۰) و عامل کلیدی در توسعه سرمایه انسانی در یک جامعه چند فرهنگی محسوب گردد (هاوکینز^۴، ۲۰۱۰). بنابراین

1 Roberts, jane H-Sanders, Tom- wass, val

2 Murphy

3 Feyisa , Kirstin

4.Hawkins

ضرورت دارد نظام آموزشی برای توسعه و گسترش ارزش‌های مشترک فرهنگی در یک جامعه چندفرهنگی تلاش نموده و بر تبادل ارزش‌های فرهنگی اقوام اهمیت داده و همه آن‌ها را تحت پوشش خود قرار دهد (ارسلان، ۲۰۰۹).

روش تحقیق

روش مردم‌نگاری (قوم‌نگاری) در شاخص‌ترین شکل خود شامل مشارکت طولانی مدت، پنهان یا آشکار قوم‌نگار در زندگی روزمره است که در فرایند آن محقق آن‌چه را که رخ می‌دهد و آن‌چه را گفته می‌شود شاهد است و پرسش‌هایی مطرح می‌کند که در حقیقت شاهد هر نوع داده‌ای است که حاصل می‌شود تا از این طریق بر مسأله‌ای که کانون تحقیق است پرتوی بیفکند (فلیک، ۱۳۸۷). در واقع این شیوه پژوهش را می‌توان به‌عنوان مطالعه روش زندگی در یک فرهنگ و یا گروهی از افراد تعریف کرد که در مقایسه با دیگر سنت‌های کیفی فراگیرتر و از همه جهات در برگرفته‌تر است (هومن، ۱۳۸۵).

شرکت‌کنندگان در پژوهش

نمونه در این پژوهش تعداد ۴۰ نفر از دانشجویانی می‌باشند که در مقطع کارشناسی یکی از دانشگاه‌های استان تهران در سال تحصیلی ۹۰ - ۸۹ اشتغال داشته‌اند. دانشجویان مورد نظر مبتنی بر اصل هدف‌مندی^۱ و از بین دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی، علوم تربیتی، علوم پایه و فنی مهندسی انتخاب شده‌اند.

دلیل‌گزینش دانشجویان این رشته‌ها براساس نسخ‌شناسی بیگلان^۲ و مطالعه اندرسون و همکارانش از گروه‌های آموزشی و رشته‌های دانشگاهی می‌باشد (فتحی و اجارگاه و دیگران، ۱۳۸۹). بیگلان در نسخ‌شناسی گروه‌های آموزشی و دانشگاهی ابعاد سه‌گانه آن از پایه‌های معرفتی را برای رشته‌های دانشگاهی ترسیم می‌کند.

نسخ‌شناسی گروه‌های آموزشی بیگلان به نقل از فتحی و اجارگاه (۱۳۸۹)	
محض	علوم پایه
کاربردی	فنی - مهندسی
حیاتی	علوم انسانی

این سه عبارت هستند از:

- ۱ - رشته‌های محض در مقابل نرم پارادایم
- ۲ - سخت پارادایم در مقابل نرم پارادایم
- ۳ - حیاتی در مقابل غیرحیاتی

ابزار مطالعه در این پژوهش^۱

برای یافتن فهم غنی‌تر جایگاه احترام به تنوع فرهنگی دانشجویان از ابزارهای مشاهده، مصاحبه فردی و گروهی، شنیدن و توصیف تعاملات در دانشگاه، ثبت وقایع، اتوبیوگرافی^۲ (خود شرح‌حال‌نویسی) و جمع‌آوری ژورنال‌های دانشجویان و ضبط صدا استفاده شده است. تمام یافته‌های حاصل از این روش‌ها و ابزارها در بررسی نقش توسعه سرمایه انسانی در آموزش عالی از طریق احترام به تنوع فرهنگی دانشجویان مورد استفاده قرار گرفته است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوای موضوعی انجام گرفته است و بدین ترتیب که محقق با کنار گذاشتن عبارت‌هایی که در یک سطح تحلیلی هم‌پوشانی دارند، داده‌ها را در متن اصلی تقلیل بدهد. تحلیل محتوا به طبقه‌بندی، مقوله‌بندی و برجسته‌سازی عبارت‌ها و توصیف ساختار منطقی آن‌ها و تعیین پیوستگی‌ها و معنای ضمنی آن‌ها می‌پردازد. مراحل به‌کارگرفته شده برای تحلیل متن، مصاحبه‌ها، دست‌نوشته‌ها و مشاهدات براساس رویکرد تحلیل محتوای موضوعی شامل گردآوری داده‌ها، تقلیل داده‌ها، استنباط و تحلیل بوده است (میرینگ^۳، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰؛ فتحي و اجارگاہ، ۱۳۸۹) در تحقیق حاضر برای تحلیل داده‌ها مراحل زیر به دقت دنبال گردیده است:

- ۱ - مصاحبه‌ها، نوارهای ضبط شده و محتوای فیلم‌ها یک به یک و کلمه به کلمه بر روی کاغذ پیاده شده است. ۲ - سطر به سطر مصاحبه‌ها مورد بررسی قرار گرفته و جملات معنادار و کنایه‌ها که مرتبط با موضوع اصلی پژوهش بوده‌اند، علامت‌گذاری و برجسته‌سازی شده‌اند. ۳ - مطالب برجسته و حساس در دست‌نوشته‌های دانشجویان استخراج گردیده است. ۴ - یادداشت‌ها و نکات حاصل شده در فضای دانشگاه و کلاس‌ها با محتوای مصاحبه‌ها و ژورنال‌ها و خود شرح حال‌نویسی‌ها و نوشته‌ها ادغام گردیده است.

1 Instruments Research

2 Autobiography

3 Philipp Mayring

روایی و اعتبار یافته‌ها

همچنین برای تأیید دقت و صحت داده‌ها در مورد اعتبار مطالعه از شیوه‌های چک اعضاء^۱ استفاده شده است. به این ترتیب که نتایج تحلیل و مقوله‌بندی‌های حاصل از مصاحبه شونده‌ها در اختیار افراد مصاحبه شونده قرار گرفت که آن‌ها را تأیید نمودند. در مورد قابلیت اطمینان در مطالعه حاضر از یک ناظر با تجربه در تحقیق کیفی استفاده شد که فرایند جمع‌آوری داده‌ها و فرایند تحلیل را بررسی و تأیید نماید و در نتیجه قابلیت اطمینان مطالعه حاصل گردد. استفاده از ناظر به مواردی از قبیل نوارهای مصاحبه، متون پیاده شده، دست نوشته‌ها، داده‌های تحلیل شده، یافته‌های مطالعه، معانی استخراج شده، مقوله‌بندی‌ها و جزئیات فرایند انجام مطالعه، قصد اولیه مطالعه، سؤالات مصاحبه و در کل تمامی جزئیات مطالعه داشته باشد.

یافته‌های تحقیق

بخش اول: احترام به تنوع فرهنگی در تعاملات بین دانشجویان دارای چه وضعیتی می‌باشد؟ در بررسی تعامل بین دانشجویان با یکدیگر مشخص شد اکثر دانشجویان علاقه‌مند بودند که فقط با زبان فارسی با اطرافیان مکالمه کنند و برخی از آن‌ها اذعان داشتند که دلیل این مسأله که چرا زبان و یا لهجه سایر قومیت‌ها و فرهنگ‌ها جایگاه خود را ندارند و چرا باید از داشتن لهجه خاصی در مراودات و تعاملات امتناع ورزند را نمی‌دانستند. برخی دیگر نیز معتقد بودند جایگاه قومیت و فرهنگ آنان یا تبیین نشده و یا به‌صورتی منتقل شده که مطلوب نظر آنان نیست.

دانشجوی رشته ی کامپیوتر (قومیت کرد):

هرگاه خود را به‌عنوان یک دانشجوی کرد معرفی می‌نمایم، سایر دانشجویان با دو خصلت تعصب و رقص کردی فرهنگ من را می‌شناسند و این سؤال در ذهن من متبادر می‌شود که آیا فرهنگ کردی به غیر از رقص و تعصب چیز دیگری ندارد؟ البته صدا و سیما و رسانه‌ها نیز در تبیین این نوع نگرش به فرهنگ کردی بی‌تأثیر نبوده‌اند.

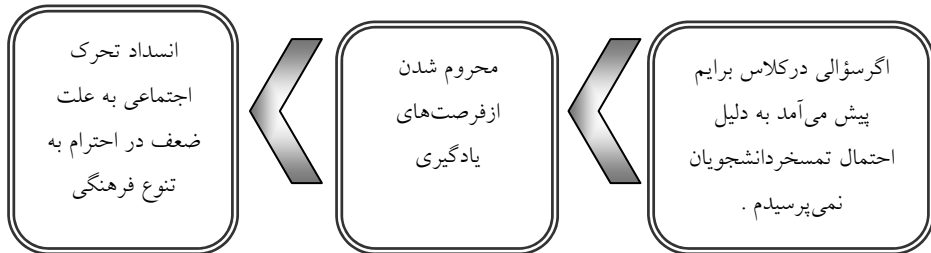
نظام آموزشی فرایندی خنثی نیست و مهم است که بدانیم در درون محیط آموزشی چه چیزی انتقال پیدامی‌کند



دانشجویان قومیت کرد را بیشتر با تعصب و رقص کردی می‌شناختند.

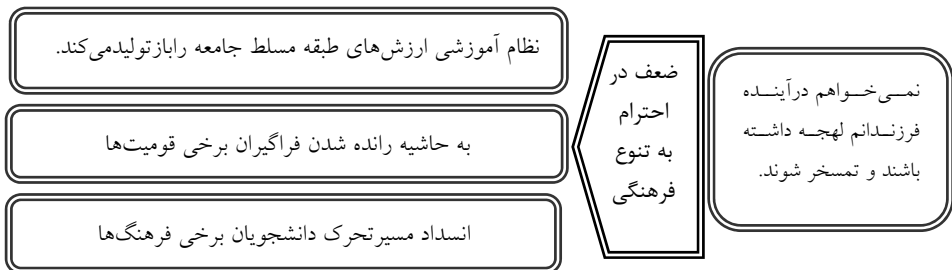
دانشجوی رشته میکروبیولوژی (قومیت لر):

« من که بزرگ شده لرستان بوده و اخیراً به تهران سفر کرده‌ام، برای اینکه لهجه من مورد استهزاء سایرین قرار نگیرد سعی می‌کردم اگر در حین درس استاد، سؤالی برایم بوجود آمد، آن‌ها را نپرسیده و بعد از کلاس از سایر دانشجویان اشکالم را بپرسم. اما در برخی موارد آن‌ها نیز مسأله را یاد نگرفته و به اشتباه موضوع را توجیه کرده و نتیجه نهایی، نمرات ضعیف من بود و این موضوع بر کاهش انگیزه تحصیلی‌ام تأثیر گذاشته است »



دانشجوی رشته حقوق (در مورد قوم آذری):

من اهل تهران هستم. یک روز یکی از دوستان آذری من می‌گفت: در آینده وقتی ازدواج کنم نمی‌خواهم بچه‌هایم ترکی یاد بگیرند و مسخره شوند چون من خودم آدم تهران و مورد تمسخر قرار گرفتم.



وجود برخی روایت‌های غیر صحیح از اقوام و فرهنگ‌ها، برچسب‌های نازیبا و لطیفه‌های گوناگون موجود در محیط‌های آموزشی می‌تواند سبب بازتولید نگرش طبقاتی در بین فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف شده و احساس برتری و یا کهنتری را در افراد به وجود بیاورد. همچنین ذهنیت منفی در مورد برخی اقوام نیز سبب می‌شود تا دانشجویان آن فرهنگ‌ها مورد کم‌توجهی و یا تحقیر قرار گرفته و از مزیت احترام به قدر کافی برخوردار نبوده و به حاشیه رانده شوند. البته به نظر می‌رسد شکل خاصی از نظم اجتماعی که در نظام آموزشی وجود دارد، ناشی از شرایط

اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خارج از این نظام می‌باشد در صورتی که شرایط اجتماعی و فرهنگی در راه تعامل گروهی بین فرهنگ‌ها و قومیت‌ها موانع و یا سدی را ایجاد نموده و به مشارکت گروهی خلل وارد کند از دیدگاه دیویی می‌تواند منجر به تضعیف روحیه تجربه‌گرایی مشترک گردیده و امکان تعامل و رشد سرمایه‌های انسانی را در محیط‌های تعلیم و تربیتی کاهش دهد (گوتک، ۱۳۸۴: ۱۴۱) بنابراین جوامعی که بر مبنای طبقه، نژاد، جنسیت یا قومیت، انسان‌ها را جدا می‌کنند فرصت‌ها را برای رشد هوش و غنای اجتماعی که در آن همه آحاد مردم مشارکت دارند، از دست می‌دهند. در حالی که مشارکت و رشد انسانی مرتبط به آن می‌تواند به‌عنوان یک ارزش محسوب گردد و زمینه رشد سرمایه‌های انسانی را فراهم نماید. بخش دوم: احترام به تنوع فرهنگی در تعامل بین دانشجویان و اساتید دارای چه وضعیتی می‌باشد؟

دانشجوی رشته الکترونیک (قوم آذری):

"مشکل من پسوند فامیلی‌ام بود که سال‌های سال از آن سختی‌ها دیده‌ام. خدا می‌داند در طول تحصیل چندبار لیست حضور و غیاب توسط معلمان و اساتیدم خوانده شد و هر بار از من پرسیده‌اند معنی این پسوند چیست؟ و من با لکنت زبان، معنی اصلی آن را به زبان آذری گفته و سوژه شدن و تیکه کلام‌ها را تحمل کرده‌ام."

احترام به قومیت‌ها، زبان و لهجه‌ها آموزش داده نشده است.

پسوند فامیلی عامل تمسخر و خجالت

دانشجوی رشته مکانیک:

"استاد ما خاطره‌ای از دوران دانشجویی‌اش که به‌دنبال شغلی در یک فروشگاه بزرگ پوشاک به‌عنوان کار دانشجویی می‌گشته است تعریف می‌کرد. او می‌گفت در این فروشگاه وضع ظاهری مناسب و قدرت بیان و نداشتن لهجه شرط مهمی در استخدام بود. من توانستم از عهده آزمون برآیم ولی در بین آزمون، خیلی‌ها را فقط به‌خاطر این که به زبان مادری تکلم می‌کردند یا این که لهجه داشتند قبول نکردند و غرور آن‌ها را زیر پا گذاشتند."

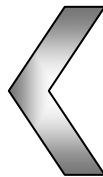
برای برخورداری از برخی مزیت‌های اجتماعی باید قومیت و برخی مقوله‌های قومی خود نظیر زبان و لهجه را کتمان کرد.

افراد به دلیل لهجه و وضع پوشش، از استخدام محروم شدند.

دانشجوی رشته مدیریت آموزشی (قومیت لر بختیاری):

«من قبل از رشته مدیریت آموزشی در یکی از رشته‌های مطالعات اجتماعی تحصیل می‌کردم. یک روز استاد جامعه‌شناسی در حال صحبت در مورد لرها بود. از من پرسید شما مال کجا هستید؟ گفتم: من بختیاری هستم. بعد استاد گفت: پس تو لر پاپتی هستی. آن قدر ناراحت شدم که الان هم احساس می‌کنم خرد شده‌ام. از آن وقت به بعد برخی دانشجویان هرگاه مرا در راهرو می‌دیدند مرا با نام لر پاپتی صدا می‌کردند و من احساس می‌کردم به من فحش داده‌اند. با استاد بحث کردم و از کلاس خارج شدم! و بعد از آن نیز از آن رشته و دانشگاه انصراف داده و مجدداً رشته مدیریت آموزشی را در دانشگاه دیگری ادامه دادم.»

تقویت ضداثرش و تمسخر اقوام، نمایان‌گر ضعف در احترام به تنوع فرهنگی و مانع توسعه سرمایه انسانی در نظام آموزش عالی محسوب می‌گردد.



پس از آن که استاد مرا لر پاپتی خطاب کرد دانشجویان نیز مرا لر پاپتی صدا می‌زدند. نهایتاً از تحصیل در آن رشته انصراف دادم.

با توجه به اینکه فرهنگ دانشگاه، رقابت را که وسیله‌ای انگیزشی برای دانشجویان است تنها به نمره موقوف کرده است، بنابراین آنچه در کلاس درس می‌ماند عمل رقابت آمیز دانشجویان در تقابل با یکدیگر می‌باشد و هر مسأله دیگری که با این وظیفه به ظاهر اصلی نظام آموزشی تطابق نداشته باشد موضوعی حاشیه‌ای، وقت‌گیر و غیرضروری می‌باشد. براین اساس در زمینه جایگاه احترام به تنوع فرهنگی در بعد تعامل اساتید با دانشجویان فرهنگ‌های مختلف نیز به نظر می‌رسد رویکرد و برنامه‌های شخصی وجود نداشته و برخی اساتید با فرهنگ جامعه و اقوام مختلف آشنا نبوده و نوع رفتار آنان در مواجهه با دانشجویان قومیت‌های مختلف بیشتر تحت تأثیر روایت‌های موجود در بین مردم عوام جامعه می‌باشد. با تعمق در مطالب فوق به نظر می‌رسد نظام آموزشی به‌گونه‌ای طراحی شده که موفقیت فرزندان فرهنگ‌های برتر را ارج می‌نهد. به‌عبارت دیگر دانشجویانی که دارای سبک زبانی، ترجیحات زیباشناختی و شیوه تعاملی مسلط هستند مورد تشویق اساتید قرار می‌گیرند.

بخش سوم: احترام به تنوع فرهنگی در محیط و فضای دانشگاه دارای چه وضعیتی می‌باشد؟ براساس یافته‌های پژوهش محیط دانشگاه، کلاس درس، کتابخانه، نمازخانه، سایت کامپیوتر، آزمایشگاه‌ها، کارگاه‌ها، راهروها، تابلوها، دیوارها، شعارها و غیره تحت تأثیر سیطره نظام ارزشیابی مبتنی بر مسائل آموزش و آزمون‌های مختلف بوده و فضا تداعی‌کننده رقابت‌های فردی اساتید و یا دانشجویان می‌باشد. عدم استفاده از تصاویر و جملات مبتنی بر ضرورت احترام به تنوع فرهنگی در فضا و محیط دانشگاه به‌صورت ضمنی بیان‌گر گرایش نظام آموزشی به یکسان‌سازی

دانشجویان می‌باشد. با نگرش یکسان‌سازی، ظرفیتی برای طرح مسائل تنوع فرهنگی و قومی و آموزش احترام به آن‌ها وجود ندارد. در محیط دانشگاه می‌بایست زمینه‌ای فراهم شود که دانشجویان فرهنگ‌های مختلف در تجارب یکدیگر سهیم شده و بالتبع هر اندازه که مشارکت دانشجویان بیشتر باشد، امکان رشد ایشان نیز بیشتر خواهد شد. دیویی معتقد است جامعه‌ای که حقیقتاً دموکراتیک باشد، در چهارچوبی از علائق مشترک به کثرت‌گرایی و تنوع فرهنگی احترام گذاشته و به ایجاد حس هم‌زیستی گروهی کمک می‌نماید. بنابراین هر یک از قومیت‌ها و فرهنگ‌های دانشجویان به منزله توان بالقوه‌ای محسوب می‌گردد که با شناخت و تبیین جایگاه مناسب برای آن‌ها می‌توان کمک مؤثری را برای توسعه سرمایه انسانی جامعه بزرگ‌تر فراهم نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان داد دانشجویان تجارب متعددی نظیر احساس کهنتری، احساس برتری و یا احساسات منفی را در طول دوران تحصیلات دانشگاهی در خصوص تنوع فرهنگی خویش و یا اطرافیان به‌دست می‌آورند. وقتی دانشجویان در می‌یابند که به هویت فرهنگی واقعی آن‌ها کمتر بها داده شده یا حتی در دانشگاه و کلاس درس نادیده گرفته می‌شوند، ممکن است احساس کنند که باید از فرهنگ و هویت خود فاصله گرفته و خود را با فرهنگ برتر و یا سرمایه فرهنگی مورد پذیرش فضای جامعه و دانشگاه تطبیق نمایند. در این صورت ممکن است دانشجو به لحاظ اجتماعی و عاطفی آسیب دیده و نوعی از خود بیگانگی نسبت به قومیت و فرهنگ خود را احساس نماید. در این میان مفروضاتی که استاد درباره جایگاه قومیت‌ها و فرهنگ‌ها دارد نیز می‌تواند بر ذهنیت و رفتار او در قبال دانشجویان تأثیر بگذارد. وقتی دانشجویان احساس می‌کنند که به فرهنگ و قومیت آن‌ها احترام گذارده شده و به کلاس یا دانشگاه تعلق دارند، بیشتر درگیر مباحث علمی و فعالیت‌های مشارکتی شده و وقتی بیشتر درگیر می‌شوند دوست دارند بیشتر عمل کنند و در این شرایط زمینه توسعه سرمایه انسانی در دانشگاه تسهیل می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که مسئولیت تعلیم و تربیت و به ویژه آموزش عالی در این است که از هر فرد پشتیبانی کند تا به درک عناصر فرهنگ خود نائل آید و هر جامعه‌ای که به بلوغ فرهنگی خود اهمیت می‌دهد، باید سعی کند که آن را به جوانان نشان دهد و نمی‌تواند انتقال فرهنگ و آموزش احترام به تنوع فرهنگی را به تصادف واگذار کند. مسلم است که دانشجویان چگونگی احترام به تنوع فرهنگی را از طریق تجارب بی‌شمار روزانه خود جذب می‌کنند. با این حال چنین همانندسازی غیر رسمی تضمین نمی‌کند که آنان همان عناصر فرهنگی را دریافت کنند که جامعه معتقد است اعضایش باید آن‌ها را داشته باشند یا در حال دائمی ساختن و یا نوسازی آن

باشند. پس آموزش عالی باید از طریق چند فرهنگی‌گرایی زمینه برابری شهروندان فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف را فراهم نماید تا آنان هویت‌های فرهنگی خود را حفظ نموده و به آن افتخار و احساس تعلق نمایند. برنامه‌های درسی آموزش عالی می‌بایست با رویکردی چندفرهنگی از قالب انفعال خارج شده و نقش مؤثری را در آموزش احترام به تنوع فرهنگی دانشجویان و اساتید ایفا نموده و به تعدیل نابرابری‌ها در نظام آموزش عالی و حرکت به سوی تغییرات مثبت فراهم نماید.

پیشنهادات مبتنی بر یافته‌های پژوهشی

- تألیف کتاب معرفی فرهنگ‌ها و قومیت‌های ایرانی با هدف معرفی اشتراکات اقوام و فراهم کردن زمینه تعامل و همبستگی بین اقوام در قالب دروس اختیاری در دانشگاه‌ها می‌تواند در آشنایی دانشجویان با قومیت‌ها و فرهنگ‌های یکدیگر تأثیرگذار باشد.

- با شناخت برنامه‌های درسی پنهان وضعیت احترام و پذیرش فرهنگ‌ها و قومیت‌های دانشجویان، می‌توان فرصت‌های یادگیری را طراحی نمود که دارای پیامدهای مثبت برای دانشجویان و اساتید باشد.

- تقویت بنیه علمی دانشجویان و اساتید از طریق برگزاری دوره‌های آشنایی با تنوع فرهنگی دانشجویان، فراهم کردن تسهیلات حمایتی اعم از مادی و معنوی در جهت انجام پایان‌نامه‌ها و طرح‌های تحقیقاتی در خصوص تنوع فرهنگی و قومی دانشجویان، برگزاری مسابقات فرهنگی با مضمون آشنایی با تنوع فرهنگی و قومی کشور.

- برگزاری همایش‌ها و مراسم آئینی آشنایی با تنوع فرهنگی و قومی کشور در داخل دانشگاه‌ها.

منابع

اعظم آزاده، م. و دهقان دهنوی، آ. (۱۳۸۷). اشتغال دانشجویان: رابطه بین شبکه روابط اجتماعی و وضعیت. *فصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، شماره ۶۳، زمستان. دسترسی از طریق: www.SID.ir ، آخرین بازدید: ۱۳۹۰/۳/۱۶.

توسلی، ق. و یارمحمد، غ. (۱۳۸۱). مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی (نمونه مطالعه: ایلام). *فصلنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ۴: ۲۵ - ۳.

جعفری، م.، شیخاوندی، د. و شریف پور، ح. (۱۳۸۷). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد: مطالعه موردی دانشگاه پیام نور سقز. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳۳: ۹۷-۱۲۶.

خسروی، م. (۱۳۸۷). آموزش چندفرهنگی الزامی برای جهانی شدن آموزش. همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، مازندران، ۸ و ۹ آبان، ص

دیبا واجاری، ط. (۱۳۸۰). بررسی ویژگی‌های شهروند خوب و میزان انطباق برنامه‌های درسی مدارس با این ویژگی‌ها از دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ایران واحد تهران مرکز.

رضایی، ا. و احمدلو، ح. (۱۳۸۴). نقش سرمایه‌های اجتماعی در رابطه بین قومی و هویت ملی: جوانان تبریز و مهاباد. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۲۱.

سیلور، ج.، الکساندر، و. و لوئیس، آ. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر*. ترجمه غ. خوی نژاد، تهران: به نشر.

شاه حسنی، ش. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی براساس میزان برخورداردی آن‌ها از مؤلفه‌های قومی، ملی و جهانی شدن. همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی: چالش‌ها و فرصت‌ها، هشتمین همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران، مازندران، ۸ و ۹ آبان، ص ۵۷.

عسگریان، م. (۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ‌های قومی در تربیت شهروندی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۷: ۱۶۲ - ۱۳۳.

فتحی واجارگاه، ک. (۱۳۸۴). کالبدشکافی برنامه درسی تجربه شده. مجموعه مقالات قلمرو برنامه درسی در ایران، ۱۳۸۴: ۱۰۵ - ۸۲.

فتحی واجارگاه، ک. و واحد چوکده، س. (۱۳۸۵). شناسایی آسیب‌های تربیت شهروندی در برنامه درسی پنهان: نظام آموزش متوسطه نظری از دیدگاه معلمان زن شهر تهران و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت آن. *فصلنامه علمی پژوهشی*

فلیک، ا. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه ه. جلیلی. تهران: نشر نی.

فتحی واجارگاه، ک.، عارفی، م. و ترقی جاه، ع. (۱۳۸۸). مطالعه چگونگی شکل‌گیری برنامه درسی برآمدنی با الهام از رویکرد رژیو امیلیا برای کودکان ۶ تا ۸ سال. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*، ۳: ۶۴ - ۴۱.

فتحی واجارگاه، ک.، عارفی، م. و جلیلی نیا، ف. (۱۳۸۹). بررسی برنامه‌های درسی پنهان در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی. *دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۱: ۱۱۸-۹۶.

فکوهی، ن. (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی: مطالعه موردی لرستان. *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴: ۱۶۱ - ۱۲۷.

گوتک، ج. (۱۳۸۴). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*. ترجمه م. پاک سرشت، چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.

مهرمحمدی، م. و دیگران. (۱۳۸۱). *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*. چاپ اول. تهران: به نشر.

هومن، ح. (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.

یوسفی، ع. (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران: تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک همایش. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۸: ۴۲ - ۱۳.

Banks, J. (2008). The implications of ethnicity for curriculum reform. Available from: http://www.ascd.org/ASCD/pdf/journals/ed_lead/el_197512_banks.pdf. [Accessed 2008/12/11]

Banks, J. (2010). Center for Multicultural Education. Available from : <http://faculty.Washington.edu/jbanks>. [Accessed 2010/5/23].

- Debra, D. (2011). Multiculturalism in higher education: A tool for success. Available from: <http://www.allacademic.com>. [Accessed 2011 / 6 / 1].
- Fernandez, M. (2010). The responsibility for multicultural education: An ethics of teaching and learning. Available from: <http://www.Scu.edu/ethics> . [Accessed 24 may 2010].
- Feyisa, D. & Kirstin, F. (2010). Raising the Achievement of Portuguese pupils in British schools: A case study of good practice. Available from: <http://www.eric.ed.gov>. [Accessed 24 may 2010].
- Giroux, H. (2011). Multiculturalism in higher education: An organizational framework for analysis. Available from: <http://www.eric.gov/ericwebportal/search> . [Accessed 2011 / 6 / 7].
- Hawkins, K. (2010). Three imperatives: Valuing an anti-bias curriculum, investing in early childhood education and promoting collaborative research. Available from: <http://www.eprints.usq.edu.au> . [Accessed 24 may 2010].
- Mayring, P. (2000) . Qualitative content Analysis. Available from: <http://www.qualitative-research.net/index/php/fqs/article>. [Accessed 2010 / 3 / 29].
- Mayring, P. (2010). Information. Available from: <http://www.Uni-klu.ac.at/Pmayring/index> . [Accessed 2010 / 3 / 29].
- Murphy, S. (2010). Challenges for multicultural education in Japan. Available from: <http://www.Scirus.com> . [Accessed 3 June 2010].
- Nieto, S. (2010). Biography. Available from: <http://sonianieto.com> [Accessed 2010/ 5 / 23].
- Roberts, J., H-Sanders, Tom-Wass, Val (2008). Perceptions of race, ethnicity and culture at two UK medical schools: A qualitative study. *Medical Education*, Vol. 42, No. 1: 45-52.